

ساخت سببی زبان فارسی بر اساس طرح پوسته فعلی

مهر زاد منصوری

عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام و دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

از زمانیکه لارسن (۱۹۸۸) استدلال کرد که گروه فعلی از دو پوسته (لایه) یکی با هسته فعل سبک و دیگری با هسته فعل واژگانی تشکیل شده است ، زبان‌شناسان کو شیده اند تا بر این اساس ساخت های متعددی را در زبان های مختلف تجزیه و تحلیل کنند و نقایص و اشکالات احتمالی آن را بررسی نمایند و در تکامل آن تعدیل هایی بوجود آورند . ساخت سببی فارسی با توجه به گوناگونی و تنوع ساختار نحوی آن می تواند در این راستا مورد توجه واقع شود .

داده های این مقاله نشان می دهد که ساختار درونی ساخت های سببی فارسی تا حدود بسیار زیادی با طرح لارسن سازگار است . ساخت های سببی زبان فارسی به درستی نشان می دهند که گروه فعلی از دو فرافکن فعلی فعل سبک و فعل واژگانی تشکیل شده است . فعل سبکی که بعنوان هسته پوسته فعلی بالائی قرار می گیرد به دو صورت بدون نمود آوائی و با نمود آوائی به صورت ؛ ”کردن” و یا پسوند ”ان” : در ساخت سببی فارسی تظاهر می یابد. همچنین در این مقاله استدلال شده است که در برخی موارد فعل سبک سببی در همنشینی با فعل های متفاوت از خود رفتار متفاوت بروز می دهد بر این اساس بنظر می رسد که نظریه هایی صرفا صوری که ملاحظات معنایی را نادیده می انگارند نمی توانند به نحوی مطلوب به تحلیل ساخت های زبان پردازند .

همچنین این پژوهش نشان می دهد که حداقل در یک مورد ملاحظات نقشی نقش معنا داری را در تحلیل ساختار نحوی ایفا می کنند . شاید بتوان از آن به عنوان شاهی در جهت تعامل نقش و ساختار نحوی که نقش گرایان بر آن تاکید می ورزند استفاده کرد

۱- مقدمه

بررسی ساخت های نحوی زبان فارسی با توجه به نظریه های جدید زبان‌شناسی یکی از عمده ترین اهدافی است که زبان‌شناسی ایرانی امروز به آن اهتمام ورزیده است که حاصل آن پایان نامه ها طرح های پژوهشی و مقاله های زیادی است که در سال های اخیر چاپ و منتشر شده است . اگر چه سهم زبان فارسی به نسبت تحقیقاتی که در زبان شناسی صورت می گیرد بسیار اندک است اما گسترش کمی و کیفی این تحقیقات دور نمای خوبی را به ارمغان می آورد .

ساخت های سببی زبان فارسی به لحاظ گستردگی و تنوع ساختاری درجهت بررسی نظریه های مرتبط عرصه وسیعی را فراهم آورده است .

تقریباً از ابتدای تثبیت زبان شناسی گشتاری که با طرح نظریه معیار توسط چامسکی (۱۳۶۵) صورت گرفت. ساخت سببی زبان فارسی مورد اهتمام زبانشناسان قرار گرفت که از آن جمله می توان به معین (۱۹۷۰، ۱۹۷۱)، معین و کاردان (۱۹۷۴) و دبیر مقدم (۱۹۷۹، ۱۹۸۲ و ۱۳۶۷) اشاره کرد.

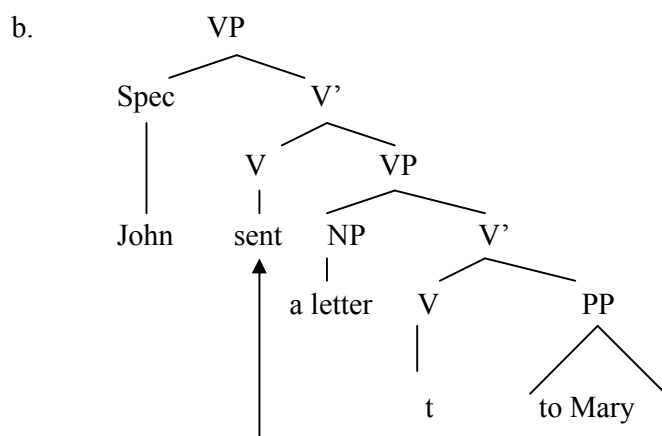
این مقاله می کوشد تا ساخت سببی زبان فارسی را با توجه به طرح پوسته فعلی لارسن (۱۹۸۸) که بعداً توسط هاله و کیسر (۱۹۹۱) چامسکی (۱۹۹۵) ورد فورد (۱۹۹۷، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴) گسترش یافت مورد بررسی قرار دهد و طرح مذکور را با توجه به این ساختار فعلی زبان فارسی محک بزند.

در بند (۲) این مقاله طرح پوسته فعلی به صورت مختصر و در حد لزوم معرفی خواهد شد. در بند (۳) پیشینه این تحقیق خصوصاً با توجه به بررسی نظریه های جدید زبانشناسی و ساخت سببی زبان فارسی ارائه خواهد شد. در بخش ۴ نیز بررسی ساخت سببی فارسی در طرح پوسته فعلی ارائه خواهد شد. و در پایان در بند ۵ خلاصه و نتیجه گیری مقاله ارائه خواهد شد.

۲- طرح پوسته فعلی :

لارسن (۱۹۸۸) به منظور توجیه مفعول مضاعف در قالب اشتقاق دوگانه استدلال کرد که ساختار گروه فعلی مرکب از دو پوسته یکی با هسته فعل سبک و دیگری با هسته فعل واژگانی تشکیل شده است. وی استدلال کرد که فعل واژگانی به جایگاه فعل سبک ارتقاء می یابد و با آن منضم می شود. نمایش جمله زیر بر این اساس ترسیم شده است.

1.a. John sent a letter to Mary.



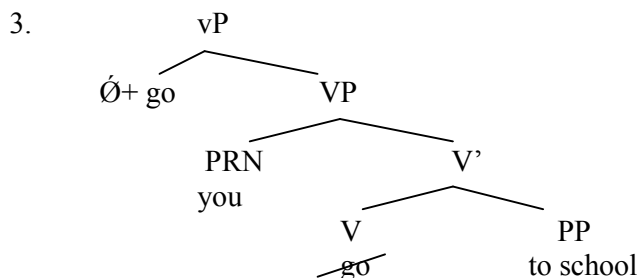
این طرح به خوبی توانست توجیهی قابل دفاع از شکل اشتقاق دو گانه و ساخت دو مفعولی بدست دهد. لارسن در مقام دفاع از این طرح کاربرد پوسته را به ساخت های دیگری چون حرکت

گروه اسمی سنگین ، جابجایی مفعول صریح و غیر صریح ، مجهول مفعول غیر مستقیم گسترش داد . این طرح مورد انتقاد جکندف (۱۹۹۰) قرار گرفت و سپس لارسن (۱۹۹۰) به انتقادات جکندف بطور صریح پاسخ داد . این طرح مورد توجه هاله وکسیر (۱۹۹۱) و همچنین چامسکی (۱۹۹۵) قرار گرفت . رد فورد (۱۹۹۷) یک بخش کامل از هر دو کتاب خود را به طرح پوسته فعلی اختصاص داد . و به توجیه ساخت های متعددی از زبان انگلیسی در قالب برنامه کمیته گرا و با بهره گیری از این طرح پرداخت وی ساخت های متعددی چون افعال دو متعدی (دارای مفعول دو گانه)، افعال پیامدی ، ساخت دو مفعولی با بند متممی ، مفعول کنترلی ، ساخت ارگتیو ، جایگاه متفاوت قید در جمله را در قالب این طرح توجیه می کند .

ردفورد (۲۰۰۰) با توجه به شباهت گروه اسمی و گروه فعلی طرح پوسته گروه فعلی را به وجود پوسته گروه اسمی تعمیم داد. که این نیز به نوبه خود قابل توجه است . شاید کامل ترین و اصلاح یافته ترین گونه طرح پوسته فعلی را بتوان طرحی که در ردفورد (۲۰۰۴) مطرح شده است دانست که در آن به گونه ای بسیار منسجم و بدور از هر گونه حشو و اضافه ای به تحلیل و ارائه این طرح می پردازد . وی در این کتاب علاوه بر تعمیم طرح پوسته به پوسته گروه اسمی احتمال وجود فرافکن بیشینه دیگری را بین دو پوسته گروه فعلی منتفی نمی داند . بحث این قسمت را با ارائه تحلیلی که برای ساخت غیر مفعولی انگلیسی بلفاست ارائه داده است به پایان می بریم.

2. Go you to school

بر اساس تحلیل وی در قالب بر نامه کمیته گرا در مثال فوق گروه حرف اضافه با فعل ادغام می شود تا فرافکن فعلی تیره تشکیل شود و سپس فرافکن مذکور با مخصص خود ادغام می شود تا فرافکن بیشینه گروه فعلی تشکیل شود . فرافکن مذکور با فعل سبک ادغام می شود و چون فعل سبک حالت وندی دارد فعل واژگانی ارتقاء می یابد تا با آن متمم شود و نهایتاً نمودار زیر را بدست دهد.



۳- پیشینه تحقیق :

الف : پژوهش در زبان های غیر فارسی

پژوهش های زیادی در خصوص طرح پوسته فعلی صورت گرفته است . که عمده پژوهش ها در خصوص تبیین ساختار گروه فعلی با دو مفعول مستقیم و غیر مستقیم است . که از آن جمله

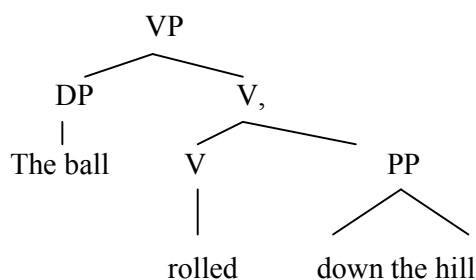
میتوان به انگستا پولو (۲۰۰۰) ، بک و کیل (۲۰۰۲) هارلی (۱۹۹۵ ، ۲۰۰۰ ، ۲۰۰۲) پستسکی (۱۹۹۵) اشاره کرد . همه این پژوهش ها وجود دو پوسته فعلی یکی با هسته فعل سبک و دیگری با هسته فعل واژگانی مورد تأیید قرار داده اند . برخی از پژوهش ها در خصوص طرح پوسته در زبانهای غیر انگلیسی صورت گرفته است که از آن جمله می توان به اسلا باکوا که در زبان روسی پژوهش کرده است اشاره کرد . که وی وجود دو پوسته با هسته فعل سبک (سبب) و فعل واژگانی را پذیرفته است . علاوه بر این به وجود فرافکن های دیگری بین دو گروه فعلی قائل شده است . بروینگ و هارتمن (۱۹۹۵) نیز در مقاله ای که در خصوص فرایند خروج نگاشته اند عملا طرح پوسته را برای زبان آلمانی مناسب دانسته اند . بروئر (۲۰۰۰) نیز مدل لارسن را برای زبان آلمانی به شرط این که یک گروه صرفی بالای گروه فعلی (باهسته سبک) قرار گیرد مناسب می بیند . وو (۱۹۹۹) در پایان نامه دکتری خود که در زبان چینی کار کرده است مکرر طرح پوسته فعلی را بکار بسته است . لیزلیتگر (۲۰۰۲) که به تحلیل جایگاه قید بر اساس نظریه مختصه بنیان پرداخته است پوسته فعلی برای زبان های گروه آلمانی (ژرمنی) و همچنین زبان هایی نظیر فرانسه را پذیرفته است .

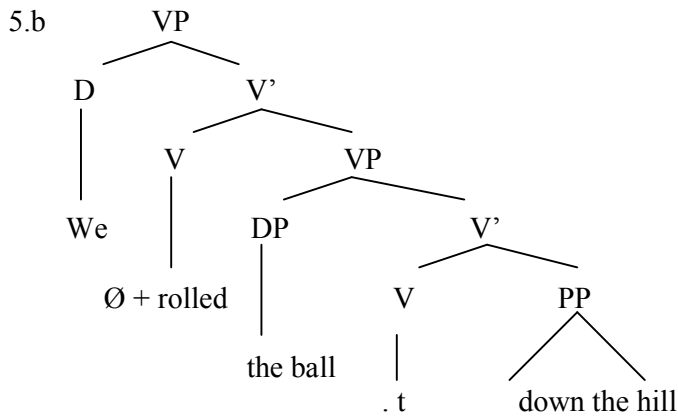
در خصوص ساخت سببی و پوسته فعلی تحقیقاتی صورت گرفته است که اساسا در قالب بحث های دیگری ارائه شده است . در این پژوهش ها اساسا ویژگی که برای فاعل پوسته بیرونی یا گروه فعلی سبک بر شمرده اند ”کنش گر“ بودن آن است . و از این جهت فاعل فعل سبک فاعل فعل سببی است . به عنوان مثال جمله زیر که در ردفور (۱۹۹۷) ، (۲۰۰۴) ارائه شده است نمونه ای از این ساخت ست .

- 4.a. The ball rolled down the hill.
b. We rolled the ball down the hill.

ردفور نمایش مثال فوق را بصورت زیر ترسیم می کند.

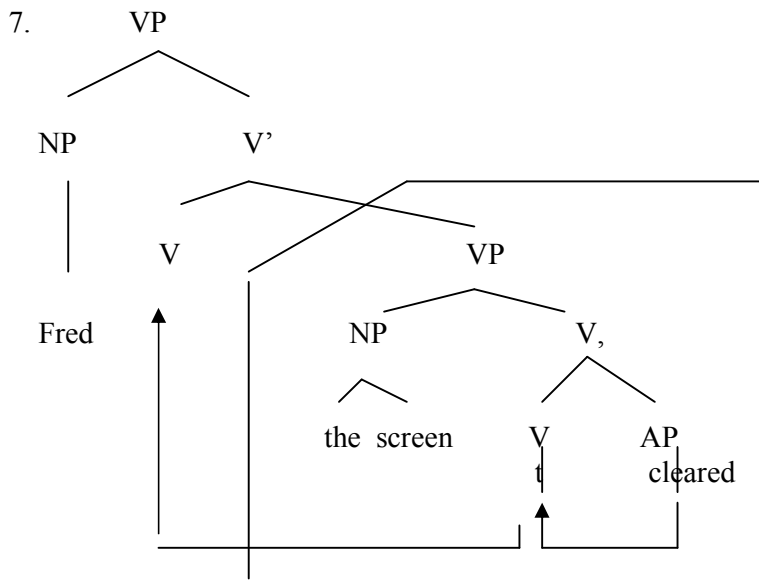
5.a
4.





هاله و کیسر (۱۹۹۱) به وضوح دو ساخت سببی و غیر سببی را به صورت زیر از هم متمایز می سازند .

- 6.a. The screen cleared.
b. Fred cleared the screen.



سببی

غیر سببی

فرانسیس (۲۰۰۳) وجود فعل سبک با نمود اوایی در زبان هایی مانند چینی و ژاپنی به صورت عنصر فعلی در فعل مرکب را موجب تقویت طرح پوسته فعلی می داند. مثال زیر حضور این عنصر را در چینی نشان می دهد .

- 8.a. chuangzi pole
window broke
The window broke
b. Loazhang da – po chuangzi
Loazhang hit break window
Loazhang broke the window

با توجه به بحثی که گذشت مشخص شد که یکی از موارد قابل طرح در بحث پوسته فعلی ساخت سببی می باشد..

ب : پیشینه پژوهش در زبان فارسی :

تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد در زبان فارسی بطور مشخص پژوهشی که بحث پوسته فعلی را مطرح کرده باشد انجام نشده است اما با این وجود در برخی از پژوهش هایی که در خصوص زبان فارسی خصوصا در سالهای اخیر صورت گرفته است رد پایی از توجه به این مهم قابل مشاهده است.

دستور نویسان ایرانی و همچنین غیر ایرانیانی که به نگارش دستور فارسی اقدام کرده اند از دیر باز متوجه تکوازی که سبب افزایش ظرفیت فعل می شود بوده اند و اغلب با عنوان متعدی ساختن فعل لازم به بحث در این خصوص پرداخته اند . قریب و دیگران (۱۰۰ : ۱۳۷۰) افزودن ”انید“ و ”یا“ ”اند“ ؛ به فعل لازم را بعنوان شیوه متعدی ساختن فعل لازم معرفی کرده است . وی همچنین خاطر نشان ساخته است که علاوه بر فعل لازم گاهی فعل متعدی نیز به همین طریق مجددا متعدی می شود . ماننم ”خوردن“ که به ”خورانیدن“ تبدیل می شود . زرسنج (۱۲۷ : ۱۳۶۲) علاوه بر افزودن ”اندن“ و ”انیدن“ ؛ که در فارسی امروز رایج است افزودن ”الف“ به وسط فعل لازم را در فارسی قدیم از موارد تبدیل فعل لازم به متعدی بر شمرده است مانند ؛ شکفتن ؛ که به شکافتن تبدیل می شود (مثال ۹)

۹- الف : گل شکفت :

ب : او لباسش را شکافت

البته با توجه به اینکه تنها یک مثال ارائه داده است و منبع آن را نیز ذکر نکرده است بنظر نگارنده به سختی میتوان ادعای فوق را پذیرفت . زرسنج (ص ۱۲۷) افزودن ”اند یا؛ انیدن“ به بن مضارع بعضی از افعال را موجب گرفتن مفعول غیر صریح علاوه بر مفعول صریح از طرف فعل دانسته است (مثال ۱۰)

۱۰- الف : او دوا را خورد

ب : او دوا را به پسرش خورانید

وی همچنین طریقه ی دیگر متعدی کردن افعال لازم را در مواردی مانند ”کج شدن ، قبول شدن ، سوارشدن ، فریب خوردن ، پیچ خوردن ، زمین خوردن ، صدمه دیدن“ تغییر مصدر به صورت زیر معرفی کرده است .

پر کردن ؛ کج کردن ؛ قبول کردن ، سوار کردن ، فریب دادن ، پیچ دادن ، زمین زدن ،

صدمه زدن .

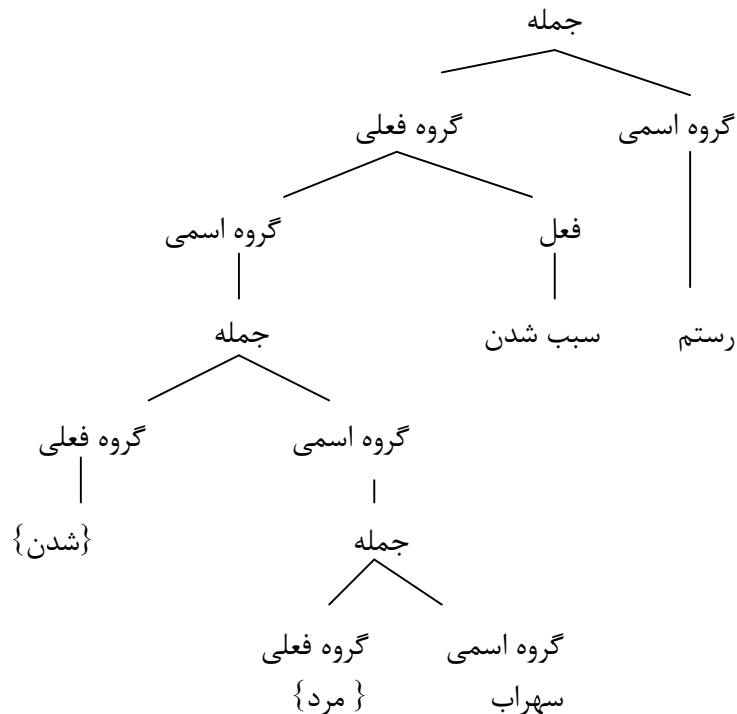
داده های فوق نشان می دهد که زرسنج متوجه این نکته شده است که برخی از افعال سبک به صورت سببی و برخی به صورت آغازی بکار می روند . به عبارتی با عوض شدن این افعال ظرفیت فعل تغییر می کند اگر چه مستقیما وی این ادعا را نکرده است .

مشکوه الدینی (۱۳۵: الف ۱۳۷۰) فعل سببی را فعلی می‌داند که از فعل معمولی به این دلیل که در فعل سببی کننده کار از شخص دیگری می‌خواهد کاری انجام دهد متفاوت است. وی بر خلاف دستور نویسان سنتی عنصر سببی را "ان" می‌داند
مشکوه الدینی (ب و ۱۳۷۰) وجه سببی را در قالب معنا شناسی زا یا ارائه می‌کند. وی بر اساس الگوی لیکاف (۱۹۷۱) جمله ۱۱. الف، را بصورت ۱۱ ج ترسیم می‌کند.

۱۱- الف: رستم سهراب را کشت

ب: سهراب مرده

ج:



جامع ترین تحقیقی که در خصوص ساخت های سببی فارسی صورت گرفته است پایان نامه دکتری و چند مقاله از دکتر دبیر مقدم (۱۹۷۹، ۱۹۸۲، ۱۳۶۷) می‌باشد. در این قسمت بخش هایی از مقاله (۱۳۶۷) را که در واقع جمع بندی پژوهش های وی در این خصوص می‌باشد مرور خواهیم کرد. این مقاله ویژگی های نحوی و معنایی ساخت سببی را مد نظر قرار داده است که از ویژگیهای معنایی آن در این بحث صرف نظر می‌کنیم

دبیر مقدم (۱۳۶۷) ساخت های سببی فارسی را به دو گروه سببی های مرکب و سببی های ساده تقسیم می‌کند وی سببی ساده را به سه شاخه سببی ریشه ای، تکواژی و کمکی تقسیم می‌کند. سببی ریشه ای را نیز به سه زیر شاخه "برابر، نابرابر و نابرابر مرکب" تقسیم می‌کند. افعال سببی ریشه ای برابر مانند: پختن، شکستن، پیوستن، دریدن، بریدن، که شکل سببی و غیر سببی آن به یک صورت است. در دستور سنتی از این افعال بعنوان افعال ذوجهین نام برده شده است (قریب و دیگران (۱۳۷۰) شریعت (۱۳۷۶) زرسنج (۱۳۶۲). افعال سببی ریشه ای نابرابر

مانند: مردن . آمدن ، افتادن که سببی آن بترتیب کشتن ، آوردن و انداختن می باشد زیر شاخه سوم از افعال سببی ریشه ای ، ریشه ای نابرابر مرکب می باشد که از دو جزء فعلی و غیر فعلی تشکیل شده اند مانند آتش گرفتن ، تغییر یافتن ، گول خوردن که صورت سببی آن به ترتیب آتش زدن ، تغییر دادن و گول زدن می باشد .

شاخه دیگر از افعال سببی ساده سببی تکواژی (ساختواژی) است که در آن تکواژ ؛ ”ان“ ؛ به صورت غیر سببی افزوده می شود تا صورت سببی آن بدست دهد . برخی از این افعال عبارتند از : دویدن ، پریدن ، که سببی آن دو اندن / دوانیدن / پراندن / پرانیدن می باشند دبیر مقدم (ص ۵۰) افعالی چون ، خوردن ؛ نوشیدن ، پوشیدن ، فهمیدن که فاعل آنها علاوه بر ؛ ”عامل بودن“ ” بهره ور“ نیز می باشند افعال نیمه متعدی یا متعدی خود بهره ور می نامد . همچنین وی به دسته ای از افعال اشاره می کند که هرگز با کمک تکواژ ؛ ان : به سببی تبدیل نمی شود . مانند شستن ، پرستیدن ، پذیرفتن ، نوشتن ، دوختن ، پرسیدن ، پرداختن ،..... وی همچنین به برخی از افعال اشاره می کند که صورت غیر سببی ندارند ولی دارای سببی تکواژی و یا ریشه ای می باشند مانند کشیدن ، پروردن ، کوبیدن. برخی از افعال مانند باوراندن ، قبولاندن ،..... صرفا دارای صورت ساختواژی هستند و صورت غیر سببی و یا سببی ریشه ای ندارند وی عدم حضور چنین افعالی را ناشی از خلاء واژگانی می داند .

گروه سوم از افعال ساده سببی زبان فارسی افعال سببی کمکی می باشد . این افعال زیاترین افعال سببی هستند به این دلیل که هر صفت با فعل کمکی کردن یک فعل سببی کمکی بدست می دهد . جفت متناظر غیر سببی این افعال از فعل کمکی شدن و با فعل اسنادی بودن بدست می آید . مانند تلخ بودن / شدن ، ناراحت بودن / شدن ، باز بودن / شدن که صورت سببی آنها تلخ کردن ، ناراحت کردن ، باز کردن می باشد .

دبیر مقدم (۱۳۶۷) سه ویژگی ساخت سببی را که در هر تحلیلی می بایست مد نظر قرار گیرد این چنین معرفی می کند: (۱) فعل سببی نسبت به غیر سببی همیشه یک گروه اسمی بیشتر بر می گزیند (۲) مشخصه های معنایی یک فاعل فعل لازم با مشخصه های معنایی مفعول مستقیم برابر سببی آن دقیقا یکی است (۳) ابهام در حوزه شمول قید حالت . به این معنا که در جمله ای مانند ۱۲ . ب و ج . هر کدام دارای دو تعبیر می باشند . در جمله ۱۲ . ب قید ؛ آرام آرام؛ در تعبیر اول به عمل علی اشاره دارد . و در تعبیر دوم عمل میمون را وصف می کند . در جمله ۱۲ ج این قید در تعبیر اول عمل میمون را وصف می کند و در تعبیر دوم عمل علی را .

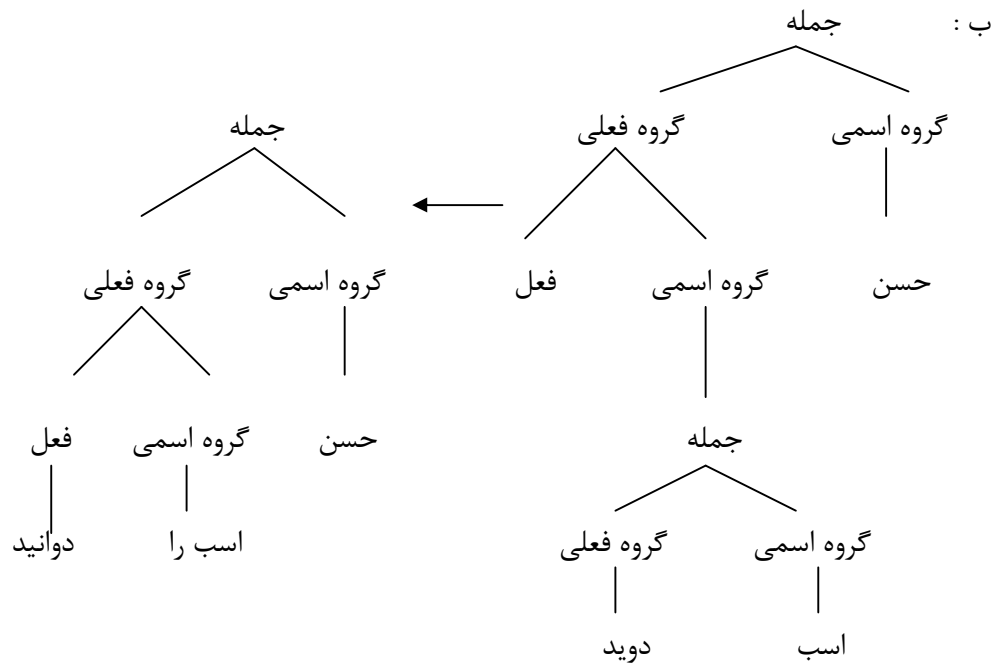
۱۲- الف : میمون آرام آرام رقصید :

ب : علی آرام آرام میمون را رقصاند :

ج : علی میمون را آرام آرام رقصاند :

معین (۱۹۷۰) و معین و کاردان (۱۹۷۴) که ساخت سببی جمله ای چون ۱۳ الف را بصورت ۱۳ ب معرفی می کنند معتقدند که نمودار زیر می تواند هر سه استدلال را به خوبی توجیه کند .

۱۳. الف : حسن اسب را دوانید .



دبیر مقدم معتقد است که اگر چه نمودار (۱۳.ب) می تواند ویژگی اول را توجیه کند اما توجیه قانع کننده ای برای ویژگی دوم به دست نمی دهد. دبیر مقدم معتقد است که نمودار پیشنهادی وی و شاین توخ (۱۹۷۴) و وی (۱۹۷۹) می تواند تغییر نقش فاعلی را توجیه کند. (نمودار مورد نظر آن دو با معین دو تفاوت دارد. یکی اینکه گروه فعلی جمله پیرو با یک شاخه به جمله پایه متصل است. دوم اینکه به جای "ان" عنصر سبب منظور شده است. گشتار ارتقاء فعل ژرف ساخت دو جمله ای را به رو ساخت تک جمله ای تغییر میدهد و تغییر نقش فاعل با توجه به اصل سلسله مراتب را بطه های دستوری کینون و کامری (۱۹۷۷) که او اولویت دست یابی به رابطه های دستوری را به ترتیب فاعل < مفعول مستقیم < مفعول غیر مستقیم < مفعول متممی؛ می داند توجیه می شود. با این وجود دو مانع پیش روی این تحلیل قرار دارد. یکی این که ابهام در حوزه عمل قید حالت بطور منظم وجود ندارد بعنوان مثال در جمله زیر در (مثال ۱۴ ب و ج) تنها یک تعبیر وجود دارد.

۱۴. الف : بچه با عجله غذا را خورد

ب : مادر با عجله غذا را به بچه خوراند

ج : مادر غذا را به بچه با عجله خوراند

ایراد دیگر مربوط به وجود خلاءهای واژگانی در خصوص صورت غیر سببی فرضی افعالی چون قبول کردن بصورت "x قبولیدن" می باشد که فعل جمله پیرو (جمله غیر سببی) فرضی و فاقد واقعیت خارجی و رو ساختی است.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ بحث فعل سبک و ساخت سببی بخش آخر این فصل به مرور مختصری بر پایان نامه و چند مقاله دکتر کریمی دوستان (۱۹۹۷ ، ۲۰۰۱ ، ۲۰۰۳ ، ۲۰۰۴) که در خصوص فعل سبک فارسی می باشد اختصاص یافته است . کریمی دوستان (۲۰۰۳) با اشاره بر ترکیب هایی چون ؛ سکوت کردن ؛ راهنمایی کردن و اهدا کردن ؛ که هر سه دارای سه ساخت موضوعی متفاوت می باشند عدم وابسته بودن فعل سبکی مانند ؛ کردن ؛ به ساخت موضوع خاصی را نشان می دهد. وی همچنین با توجه به ترکیب هایی چون راهنمایی کردن / شدن ، و اختصاص دادن / داشتن / یافتن که با عنصر غیر فعلی یکسان دارای ساخت موضوعی متفاوت می باشد نشان می دهد که ثبات ساخت موضوعی صرفا به عنصر غیر فعلی در چنین ترکیب هایی وابسته نیست و فعل سبک در معنی ساخت بی تاثیر نیست . کریمی دوستان (۲۰۰۴) همچنین با استناد به ترکیبی چون ؛ فوت کردن / شدن ؛ نشان می دهد که گاه فعل سبک آنقدر رنگ باخته می شود که با فعل آغازی جایگزین می گردد (دکتر میر عمادی با یاد داشتی که بر پیش نویس این مقاله نگاشته اند ادعان کرده اند که فعل ” شدن “ در چنین ساختی متداول نیست و چنین ادعایی را نپذیرفته اند) . نکته جالبی که کریمی دوستان به آن اشاره کرده است این است که حضور فعل سبک در ساخت هایی که فعل سبک با آنها بکار می رود صرفا حمل مشخصه های زمان ، شخص ، و شمار نیست . چرا که در جمله ای مانند ” آنها نرمش خواهند کرد “ ؛ فعل کمکی که این مهم انجام دهد وجود دارد وی با این ادعا که فعل سبک طی فرایند واژگانی شدن واژه های محتوایی بدست آمده اند فعل سبک را از فعل سببی متمایز می داند و فعل سبک را فاقد موضوع برونه می شناسد

کریمی دوستان (۲۰۰۱ و ۱۹۹۷) با توجه به رفتار دو گانه فعل سبک فارسی که در تعاملات همانند یک عنصر نحوی و هم مانند یک عنصر واژگانی شرکت می جوید و همچنین تمایز فعل سبک و فعل واژگانی در سببی شدن ساختواژی (فعال سبک مانند * کناندن * زناندن * یاباندن ، صورت سببی ساختواژی ندارند) فرض فوق را تقویت می کند . کریمی دوستان (۱۹۹۷ ، ۲۰۰۳) همچنین بین فعل سبک ؛ کردن ؛ و سببی آن تمایز قائل شده است ؛ ” کردن “ ؛ در ترکیبی چون ” سگته کردن “ ؛ ” پرش کردن “ ؛ ” ماشین کردن “ را فعل سبک و در ترکیبی چون ؛ ” شاد کردن “ ؛ را فعل سببی می داند .

۴- فعل سببی فارسی (پیکره پژوهش)

با معرفی طرح پوسته فعلی و همچنین پیشینه تحقیقاتی که در خصوص ساخت های سببی زبان فارسی مطرح شد . این بخش به بررسی نحوه اعمال طرح پوسته فعلی در انواع ساخت های سببی این زبان اختصاص می یابد.

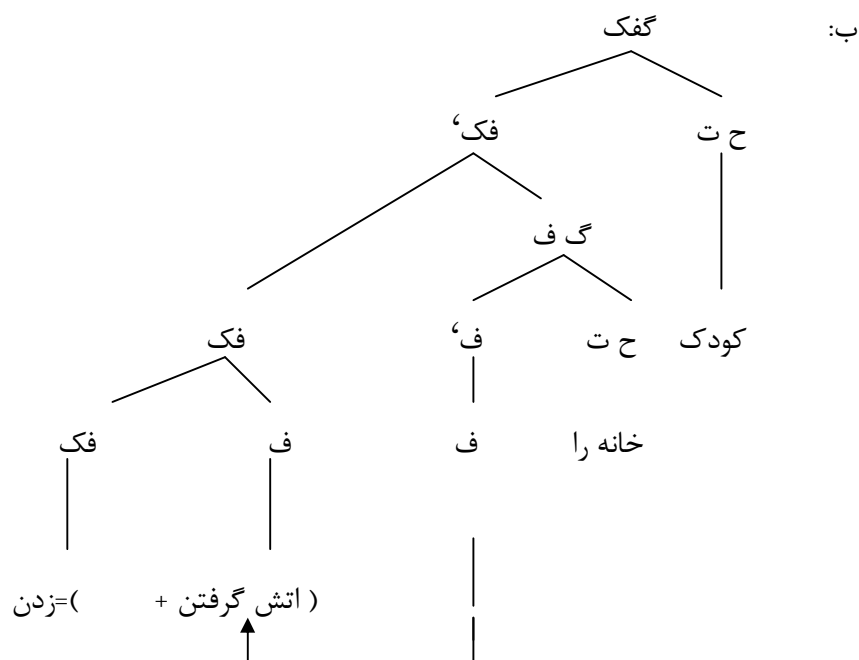
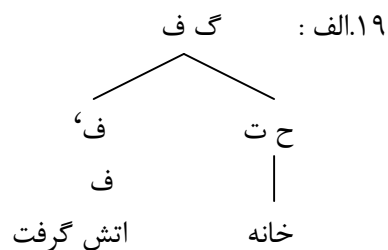
یکی از ساخت های سببی فارسی بر اساس تقسیم بندی که در بخش قبل ارائه شد ساخت سببی ریشه ای برابر است . در این ساخت صورت سببی و غیر سببی به یک شکل ارائه می شود . برخی از این افعال عبارتند از ، پختن ، شکستن ، ریختن ، مالیدن ، بریدن ، و پیچیدن ، مثال ۱۵ کاربرد این افعال را بصورت سببی و غیر سببی نشان میدهد

۱۵- الف : غذا پخت (غیر سببی)

ارتقاء و انضمام با فعل سبک سببی به فعل دیگری که بتواند ویژگی سببی را با خود حمل کند تبدیل می شود. مسئله ای که اینجا مطرح می شود این است که ؛ آتش گرفتن ؛ به آتش زدن ؛ اما ؛ یاد گرفتن ؛ به ؛ یاد دادن ؛ تبدیل می شود. در یک جا گرفتن به ؛ زدن ؛ و در جای دیگر گرفتن به ؛ دادن ؛ تبدیل شده است و همچنین ؛ فریب خوردن ؛ به فریب دادن ؛ و گول خوردن ؛ به گول زدن ؛ تبدیل می شود علیرغم اینکه دو مورد آخر حتی از نظر معنایی بسیار به هم نزدیک هستند. پاسخی که می توان برای آن داد این است که در گزینش فعل سبک عنصر پایه هم در وجه سببی و هم در وجه غیر سببی موثر است. بعبارتی عنصر پایه نه تنها در گرفتن فعل سبک غیر سببی با گزینه های متفاوت رو بروست و بر اساس ویژگی خود یکی را انتخاب می کند، بلکه در هنگامی که با فعل سبک سببی منضم می شود نیز با گزینه های متفاوتی روبروست که بر اساس ویژگی های خود یکی را می پذیرد. این امر نشان می دهد که حداقل این گونه از افعال سبک فارسی کاملاً سبک نیستند و دارای ویژگی های معنایی سبکی و آوایی هستند که در همنشینی با عنصر پایه از خود نشان می دهند. و بر این اساس با عناصر پایه خاصی همنشین می شوند. به همین دلیل نگارنده پیشنهاد می کند به منظور اینکه این افعال را از افعال سبک دیگر که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت متمایز کنیم این افعال را افعال ؛ نیمه سبک ؛ بنامیم. چرا که این افعال از یک طرف مانند افعال سبک رفتار می کنند و ویژگی معنایی فعل فارسی را با خود حمل نمی کنند و صرفاً تصریف فعل را بعهده دارند و از طرف دیگر نسبت به عنصر پایه از خود حساسیت نشان می دهند و با توجه به ویژگی های معنایی ونحوی عنصر پایه با آن همراه می شوند.

در هر حال مثال ۱۸ الف و ب را می توان بصورت زیر (مثال ۱۹ الف و ب) در قالب طرح

پوسته فعلی ترسیم کرد.



گروه دیگری از ساخت های سببی زبان فارسی افعالی هستند که فعل سبک آنها فعل ؛ ”کردن“ ؛ است. صورت غیر سببی این افعال از عنصر پایه و فعل ؛شدن ؛ بدست می آید . این ساخت خصوصا در فارسی امروز زایاترین ساخت سببی در زبان فارسی به حساب می آید چرا که علاوه بر اسامی فارسی، اسامی قرضی نیز می توانند با آن همنشین شوند و ساخت سببی را بدست دهند . برخی از این افعال عبارتند از . ماشین کردن ، رها کردن ، تنظیم کردن ، تکمیل کردن ، تجمیع کردن ، تخریب کردن ، تلفن کردن . برخی از این افعال که ساخت سببی آن با فعل سبک ”کردن“ درست می شود می توانند با فعل سبک ”زدن“ نیز بکار رود مانند تلفن کردن / زدن ،

شانه کردن / زدن ، حتی برخی از این افعال می تواند علاوه بر ” کردن “ و ” زدن “ با ” کشیدن “ نیز بکار روند مانند اتو کردن / زدن / کشیدن .

در برخی موارد به جای فعل سببی ” کردن “ ” ساختن “ و یا ” نمودن “ نیز می تواند بکار روند . که کار برد آنها به لحاظ سبکی صورت می گیرد . مانند ویران کردن / ساختن / بیدار کردن / نمودن ، تماشا کردن / نمودن ، سخنرانی کردن / نمودن . البته نحوه جایگزینی افعال سبک به جای یکدیگر در زبان فارسی نیاز به بحث مفصلی دارد که از حوصله این جستار خارج است . چنین افعالی که با جزء فعلی ” کردن “ یا ” زدن “ درست می شوند افعال سببی هستند نمودار چنین ساختاری مانند ۱۹.ب می باشد با این تفاوت که فعل ساخت غیر سببی فعل آغازی است (مثال ۲-۲۰) .

۲۰. الف : پل خراب شد

ب : علی پل را خراب کرد

نوع دیگری از فعل ” کردن “ وجود دارد که غیر سببی است مانند ” کردن “ در ترکیب طلوع کردن . در جمله خورشید طلوع کرد . خورشید کاری را انجام نمی دهد و فعل سببی نیست . در برخی موارد فعل ” کردن “ درست معادل فعل آغازی ” شدن “ بکار می رود . (مثال ۲۱) . در چنین مواردی فعل ” کردن “ فعل سببی نمی باشد . چرا که فاعل آن کنش گر (عامل) نمی باشد .

۲۱. الف : علی فوت کرد / شد

* ب : حسن علی را فوت کرد

در قالب پوسته فعلی هر دو فعل ” کردن “ و ” شدن “ در گ . ف (گروه فعلی درونی) تشکیل می شود

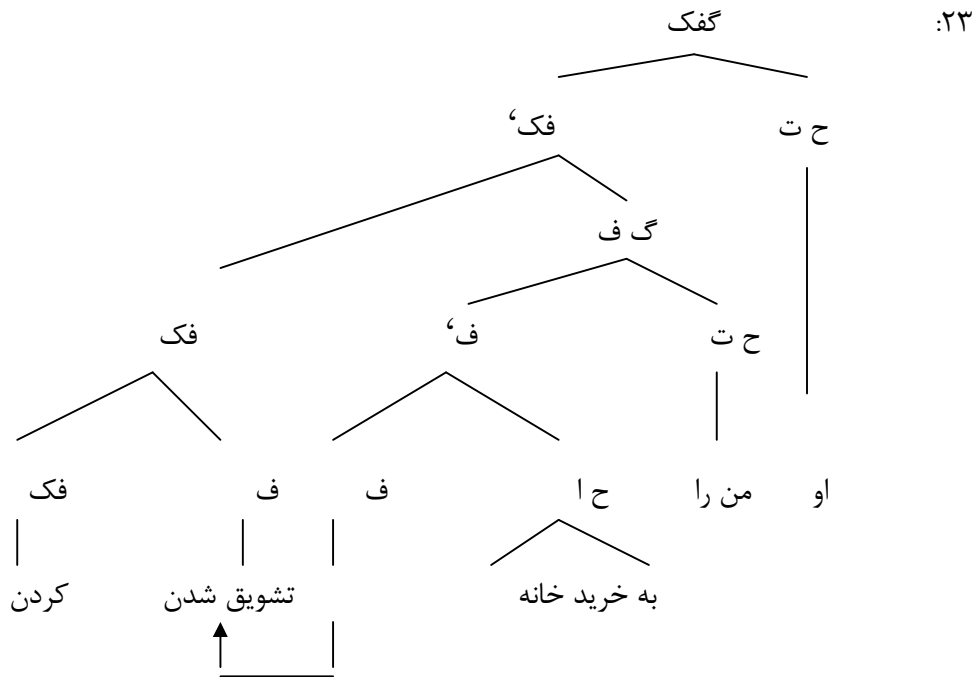
نوع دیگری از فعل ” کردن “ وجود دارد که فعل سببی نیست و صرفا فعل سبک می باشد مانند ” کردن “ در شنا کردن ، ورزش کردن . این صورت از ” کردن “ فعل سبک غیر سببی است از ویژگی این فعل این است که صورت عنصر پایه + شدن را ندارد . کریمی دوستان (۹۵ : ۱۹۹۷) فعل ” کردن “ سبک و سببی را از هم متمایز می سازد . ” کردن “ در افعالی چون سکنه کردن ، پرش کردن را صرفا سبک می داند و ” کردن “ در فعلی چون شاد کردن را سببی. البته نگارنده علی رغم تمایز موجود بین صورتهای مختلف فعل ” کردن “ معتقد است در هر دو صورت سببی و غیر سببی فعل ” کردن “ فعل سبک است که یکی غیر سببی است و دیگری سببی است. علاوه بر بحثی که ارائه شد ساده ترین استدلالی که می توان ارائه کرد این است که در هر دو فعل ” سکنه کردن “ و ” شاد کردن “ فعل ” کردن “ از محتوای معنایی تهی شده است و نقش فعل سبک که حمل مشخصه هایی چون زمان و شناسه می باشد به عهده دارد.

نوع دیگری از ساخت سببی ، ساختی است که با افعالی نظیر تشویق کردن ، مجبور کردن ، وادار کردن ، تحریک کردن ، ترغیب کردن ، وسوسه کردن، بکار می رود و جملاتی نظیر مثال ۲۲ بدست می دهند

۲۲. الف : او مرا به خرید خانه تشویق کرد (سببی)

ب : من به خرید خانه تشویق شدم (غیر سببی)

ساختار جمله ۲۲ بصورت نمایش ساختار جمله ۲۳ دو مفعولی است که انگیزه اصلی بروز چنین طرحی بوده است. پس ۲۲ الف بصورت زیر ترسیم می شود (مثال ۲۳)



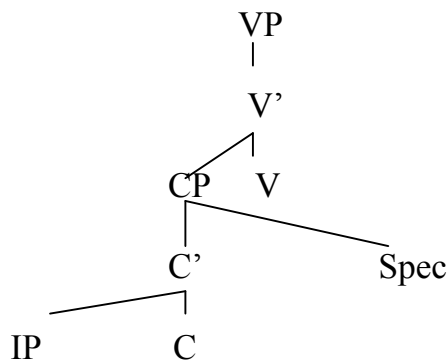
ساخت دیگری با افعالی نظیر مجبور کردن ، وادار کردن ، ترغیب کردن ، اجازه دادن و نظایر اینها وجود دارد که دارای بند متمم فعلی هستند (مثال ۲۴ ، ۲۵)

۲۴. مرا وادار کرد که خانه ام را بفروشم

۲۵. علی محمود را تشویق کرد که درس بخواند

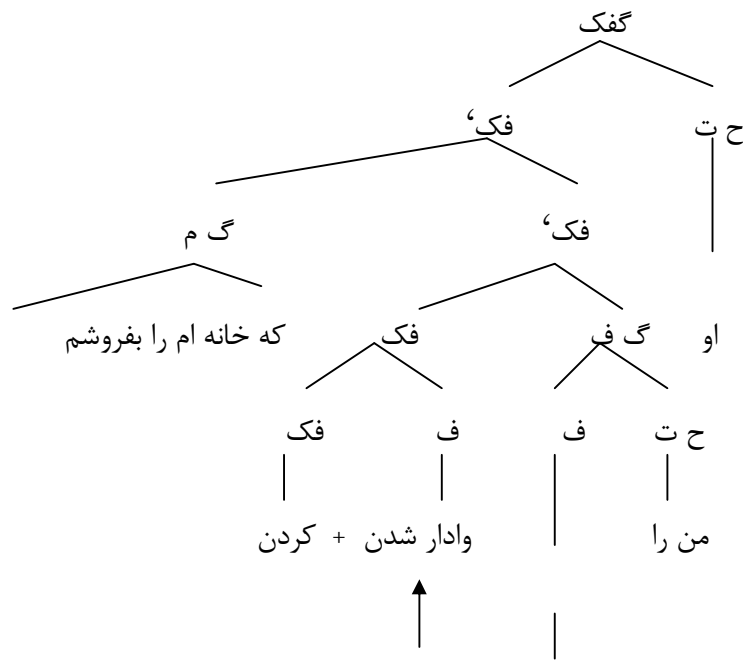
تحلیل این افعال و یا ساخت ها مانند همه افعالی است که دارای بند متممی هستند با این تفاوت که بر اساس پوسته گروه فعلی اعتقاد بر دو پوسته فعلی است. آهنگر (۱۳۸۱) استدلال کرده است که نمایش نمودار درختی افعالی که در زبان فارسی دارای بند متممی هستند بصورت زیر می باشد (مثال ۲۶)

۲۶.



نمودار فوق را می توان با اندکی تعدیل در ساخت سببی بر اساس طرح پوسته فعلی پذیرفت به این صورت که در ساخت سببی گروه فعلی که بند متممی به آن افزوده شده است گروه فعلی فعل سبک است نه گروه فعلی واژگانی . بر این اساس تحلیل مثال ۲۴ بصورت زیر (۲۷) در می آید:

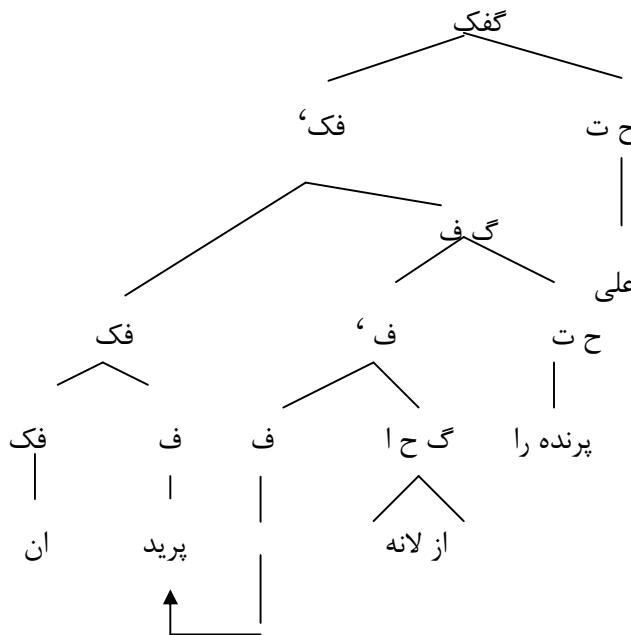
۲۷.



آخرین نوع از ساخت سببی زبان فارسی که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد ساخت سببی ساختواژی است . در این ساخت فعل سببی یک تکواژ بیش از جفت متناظر غیر سببی خود دارد . مانند : پریدن / پراندن ، رسیدن / رساندن . در قالب طرح پوسته فعلی این تکواژ نمود آوایی فعل سبک سببی است . بر این اساس تفاوت فعل سببی ” ریختن ” از فعل سببی ” پراندن ” این می باشد که فعل سبک سببی که به فعل غیر سببی ریختن منضم شده است نمود آوایی ندارد .

ولی در ”پراندن“ فعل سبک دارای نمود آوایی است. مثال (۲۹) که ترسیم ساختار مثال (۲۸) می باشد. به خوبی این توجیه را بیان می کند.
 ۲۸. علی پرنده را از لانه پراند / نید.

۲۹.



در بند ۳ این جستار به سه ویژگی فعل سببی اشاره شد که در این قسمت به بررسی این سه ویژگی در قالب طرح پوسته می پردازیم. اولین ویژگی این است که فعل سببی در مقایسه با جفت متناظر غیر سببی خود یک گروه اسمی بیشتر دارد. در طرح پوسته دلیل آن کاملاً روشن است به این صورت که ساخت غیر سببی در گروه فعلی درونه شکل می گیرد. و ساخت سببی در برونه. گروه فعلی برونه دارای یک جایگاه مخصص است که با فاعل فعل سببی پر می شود نه با فاعل فعل غیر سببی. عبارتی فعل سببی به همراه مخصص و متمم خود در جایگاه متمم فعل سببی قرار می گیرند. بنابراین ساخت سببی یک گروه اسمی که جایگاه مخصص گروه فعلی سبک یا برونه را پر می کند بیشتر دارد. دومین ویژگی یا نکته در خصوص فعل سببی این است که مشخصه های معنایی فاعل فعل لازم با مشخصه های معنایی مفعول مستقیم ساخت متناظر سببی آن دقیقاً یکی است. در طرح پوسته این هم به این صورت قابل توجیه است که در طرح مذکور فاعل فعل لازم که در مخصص گروه فعلی درونی است در مقام مفعول مستقیم گروه فعلی سببی که گروه فعلی بیرونی است قرار می گیرد. سومین ویژگی فعل سببی این است که حوزه شمول قید حالت در ساخت سببی دارای ابهام است. این ابهام نیز در قالب این طرح به خوبی قابل توجیه است به این صورت که در نموداری که در قالب این طرح برای ساختار یک ساختار سببی ترسیم می شود دارای دو جایگاه فعل تیره است (یکی فعل تیره واژگانی و دیگری فعل تیره سبک سببی و قید می تواند به

عمل خوردن است نه سبب خوردن. بعبارتی خوراندن عملی نیست که در طول زمان جاری باشد بشود سرعت آن را کم یا زیاد کرد. به عبارتی روشن‌تر ”خوردن“ می‌تواند با عجله یا بدون عجله باشد اما ”خوراندن“ نه. در صورتیکه قید آرام آرام هم در خصوص رقصیدن و هم رقصاندن کاربرد دارد. (هم می‌توان آرام آرام میمون را رقصاند و هم میمون خود می‌تواند آرام آرام برقصد).

ایراد و یا بحث دیگری که در پیشینه مطرح شد و اینجا نیز لازم به طرح مجدد است این است که چرا فاعل ژرف ساختی جمله پیرو در صورتیکه فعل لازم باشد به صورت مفعول مستقیم در رو ساخت تجلی می‌کند و اما در صورتیکه فعل جمله پیرو نیمه متعدی یا متعدی خود بهره‌ور باشد به صورت مفعول غیر مستقیم ظاهر می‌شود. دبیر مقدم با توجه به نظام سلسله مراتبی رابطه‌های دستوری به توجیه این مهم پرداخت اما اینکه چرا چنین رابطه‌ای وجود دارد بحثی است که باید با تحلیل نحوی توجیه کرد. در قالب بحث پوسته فعلی چنین رخدادی اینگونه قابل توجیه است که گروه اسمی که در مخصص گروه فعلی برونه می‌باشد می‌تواند به جایگاه مخصص گروه زمان ارتقاء یابد و فاعل جمله واقع شود اما فاعل گروه فعلی درونه چون نمی‌تواند به مخصص گروه زمان ارتقاء یابد (قبلا پر شده است) به صورت مفعول مستقیم باقی می‌ماند. اما اینکه چرا در خصوص گروه فعلی متعدی چنین اتفاقی نمی‌افتد. دلیل آن این است که مانند فاعل فعل لازم درونه نمی‌تواند فاعل جمله قرار گیرد چرا که فاعل گروه فعلی درونه این اجازه را نمی‌دهد اما اینکه چرا به جای مفعول مستقیم قرار نمی‌گیرد به این دلیل است که مفعول مستقیم در جمله درونه وجود دارد. مثلا در جمله درونه ”حسن کتابها را گرفت“ مفعول مستقیم وجود دارد. و لذا در جمله سببی ”علی کتاب را به حسن داد“ باز ”کتاب“ که مفعول مستقیم بوده است در ساخت سببی در همین نقش می‌ماند لذا چاره‌ای نمی‌ماند که در ضروری‌ترین نقشی که باقی مانده است و می‌تواند بماند بماند و این نقش تنها مفعول غیر مستقیم است.

به عبارتی ساده‌تر فاعل جمله درونه به دلیل اینکه نمی‌تواند به جایگاه مخصص زمان ارتقاء یابد (مخصص زمان با فاعل جمله برونه پر شده است) نمی‌تواند فاعل جمله اصلی به حساب آید. از طرف دیگر بند درونه چون دارای مفعول مستقیم است و در جایگاه مخصص گروه فعلی قرار گرفته است فاعل جمله درونه نمی‌تواند در این جایگاه قرار گیرد پس در تنها جایگاه که متمم جمله درونه و یا مفعول غیر مستقیم باشد جای می‌گیرد. این تحلیل چند نکته را خاطر نشان می‌سازد اول اینکه در برخی از تحلیل‌های نحوی ظاهرا روی آوردن به رویکردهای نقش‌گرا غیر قابل اجتناب است دوم اینکه صرف اینکه گروه اسمی در مخصص گروه فعلی قرار گیرد برای قرار گرفتن در نقش فاعل جمله کافی نیست بلکه باید بتواند به جایگاه مخصص گروه زمان ارتقاء یابد نکته دیگر اینکه ظاهرا جایگاه مفعول مستقیم در آن مناقشات نحوی تاثیر نمی‌پذیرد و نقش خود را ثابت نگه می‌دارد.

۵- خلاصه و نتیجه گیری :

در این مقاله ابتدا طرح پوسته فعلی معرفی گردید و پیشینه تحقیقاتی که در این خصوص صورت گرفته بود بطور مختصر ارائه شد. همچنین برخی از تحقیقاتی که پیرامون ساخت سببی زبان فارسی خصوصا در قالب زبانشناسی زایشی صورت گرفته بود معرفی شد. همچنین موانع پیش روی هر کدام ارائه گردید سپس انواع ساختهای سببی اعم از سببی ریشه ای سببی با فعل سبک ”کردن“ و همچنین سببی با بند متممی و در نهایت سببی ساختوازی با طرح پوسته فعلی محک زده شد و همچنین مواردی که مورد ایراد برخی از زبانشناسان بود در قالب این طرح توجیه گردید. در این مقاله استدلال شد که افعال سبک فارسی از لحاظ نقشی که بعهده دارند و همچنین میزان استقلال شان نسبت به عنصر غیر فعلی به یک اندازه سبک نیستند. از این جهت می توان آنها را در دو رده نیمه سبک و سبک تقسیم کرد. منظور از افعال نیمه سبک افعالی بودند که نسبت به عنصر پایه و ابستگی بیشتری داشتند در این مقاله نشان داده شد که فعل سبک ”کردن“ را می توان حداقل به دو دسته سببی و غیر سببی تقسیم کرد. با بحثی که ارائه شد روشن شد که طرح پوسته فعلی در خصوص بسیاری از ساخت های سببی فارسی به خوبی قابل توجیه است. همچنین این مقاله نشان می دهد که ویژگی های معنایی عنصر غیر فعلی در نوع فعل سبک بی تاثیر نیست و از این جهت تحلیل نحوی به تنهایی نمی تواند جوابگو باشد و بر این اساس می توان انتظار داشت که نظریه هایی که رویکردی میانه را نسبت به تقابل واژگان و نحو داشته باشند شانس موفقیت بیشتری خواهند داشت. داده های تحقیق همچنین نشان داد که نمی توان در تحلیل ساخت هایی چون سببی بطور کامل رویکرد نقشگرایانه را کنار گذاشت.

منابع:

- Anagnostopolou, E. (2000) “ Two Classes of Double Object Verbs : The Role of Zero Morphology. 23rd GLOW Workshop on Zero Morphology
- Beck, S & J, Kyle (2002) Double Object Again
- Brauer, H (2000) “ 4 Proposals for German Clause Structure” Working Papers
- Buring, D , & K, Hartman (1997) “ Doing the Right Thing . Linguistics Review , 14 ., 1-42
- Chomsky , N. (1965) Aspects of the Theory of Syntax , The MIT press
- Chomsky , N. (1995) The Minimalist Program . Cambridge MA; MIT press
- Dabir-moghaddam, M. (1979) Causative Constructions in Persian. Unpublished Paper . Department of linguistics of linguistics , University of Illinois, Urbana
- Dabir-moghaddam (1982) Syntax and Semantics of Causative constructions in Persian . Unpublished Ph.D. Dissertation , University of Illinois
- Francis, E (2003) “ Form-function in Congruity and Architecture of grammar , Stanford University
- Harly , H. (1995a) Subjects , Events and Licensing , Ph.D Dissertation Cambridge MA, MIT

- Harly,H.(1995b)" If you have ,You can give" In Proceedings of WCCFL 15 , CS, L3.stanford
- Harly, H (2002) "Possession and The Double Object Constructions" University of Arizona
- Hale , K and S.G. Keyser, (1991) “ On the Syntax of Argument Structure” Lexicon Project Working Papers MIT , Center for Cognitive Science Cambridge
- Jackendoff , R (1990) “ On Larson’s Analysis of the Double Object Construction,” Linguistic Inquiry 21, 427-456
- Karimi-Doostan.Gh, (1997) Light Verb Constructions in Persian Ph.d Dissertation,Essex University , England
- Karimi-Doostan, Gh.(2001) Complex Predicates in Persian , In Structural aAspects of Complex Verbs Edited by Nicole Dehe and Anja Wanner 277-297 . Frankfort:Peterlang
- Karimi-Doostan,Gh.(2003)" Argument Structures of Light verbs " In Argument Structure Conferense Dehli January 5-8
- Karimi-Doostan,Gh (2004)" Light Verbs And Structural Case " accepted to be published in Lingua
- Keenan,E.and Comrie(1977)"Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar ." Linguistic Inquiry 8:63-100
- Lakeof , G.1970 Irregularity in Syntax. Holt ,Inc.
- Lazinger. C .(2002) generative Grammar in Geneva 3.67-105
- Larson .r (1988)" On the Double Object Construction" Linguistic Inquiry 19 : 335-91
- Larson,R (1990)"Double Object Revisited:Reply to Jackendoff" Linguistic Inquiry 21:589-632
- Moyne, J.(1970)The Structure of Verbal Constructions in Persian Unpublished Disertaion.Harvard
- Moyne, J.(1971) "Reflexive and Emphatic " .Language 47 (1), 141-163
- Moyne , J & G, Carden (1974) "Subject Reduplication in Persian" Linguistic Inquiry 5: 205-249
- Pesetsky, D (1995) Zero Syntax: Experiencers and Cascades Cambridge, M A, The MIT Press
- Radford,A.(1977a) Syntactic Approach and the Structure of English, Cambridge University Press
- Radford.A.(1997b)Syntax a minimalist Introduction, Cambridge University Press
- Radford,A(2000)" NP-Shell" Essex Research Reports in Linguistics,Voll 33,2-20
- Radford,A.(2004). Minimalist syntax:Exploring The Structure of English .Cambridge University Press :Cambridge
- Wu,J (1979) Syntax and Semantics of Quantifiers in Chinese .Ph.DDissertation :University of Maryland at College park

آهنگر، عباسعلی(۱۳۸۱). ”بند متمم فعل در زبان فارسی“ مجله زبان شناسی، ش ۳۴، صص ۱-۴۵

دبیرمقدم، محمد(۱۳۶۷). ”ساختهای سببی در زبان فارسی“ مجله زبان شناسی، ش ۱۱، صص ۱۳-۷۶

زرسنج، محمد رضا(۱۳۶۲). دستور و نگارش فارسی.موسسه خدمات فرهنگی تهران. شریعت , محمد جواد(۱۳۷۶).دستور ساده زبان فارسی، انتشارات اساطیر: تهران.

قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، چاپ نهم، سازمان انتشارات اشرافی: تهران.
مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۰ الف)، دستور زبان فارسی: بر پایه نظریه گشتاری، انتشارات دانشگاه
فردوسی: مشهد.

مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۰ ب) ”برخی ملاحظات معنایی در دستور زبان زایا“ مجله زبان
شناسی. ش ۱۵ و ۱۶ صص ۴۲-۴۷.